

تجربه زیسته نوجوانان تک‌فرزند از تعامل با والدین
«مطالعه پدیدارشناسی»

**The Only-Child Adolescents' Lived Experience of Interaction with
Parents, «A Phenomenological Study»**

M. Mortazavi, Ph.D.

Department of counseling, University of Alzahra, Tehran, Iran

S. Hosseinian, Ph.D.

Department of counseling, University of Alzahra, Tehran, Iran

R. Rasouli, Ph.D.

Department of counseling, University of Alzahra, Tehran, Iran

H. Zareei, Mahmoodabadi, Ph.D.

Department of Psychology, University of Yazd, Yazd, Iran

دکتر مهناز مرتضوی

گروه مشاوره، دانشگاه الزهرا

دکتر سیمین حسینیان

گروه مشاوره، دانشگاه الزهرا

دکتر رویا رسولی

گروه مشاوره، دانشگاه الزهرا

دکتر حسن زارعی محمودآبادی

گروه روان‌شناسی، دانشگاه ایزد

دریافت مقاله: ۹۷/۱۱/۱۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۸/۲/۷

پذیرش مقاله: ۹۸/۴/۲۵

Abstract

Only child is one of the growing forms of Iranian families and it is important to examine the dimensions and special issues related to it. The purpose of this study is to provide a deep understanding of only child adolescents' experience of interaction with parents. The method of this qualitative research is a phenomenological type. For this purpose, 18 only child adolescents were selected by voluntary purposeful sampling method and were interviewed by a semi-structured interviews.

✉Corresponding author: Department of Counseling, School of Psychology and Education, University of Alzahra, Tehran Iran.
Email: Hosseinian@Alzahra.ac.ir

چکیده

تک‌فرزندی، یکی از اشکال رو به رشد خانواده‌های ایرانی است و بررسی ابعاد و مسائل ویژه مربوط به آن حائز اهمیت است. هدف از مطالعه حاضر، درک عمیق تجربه نوجوانان تک‌فرزند از تعامل با والدین است. روش این تحقیق کیفی از نوع پدیدارشناختی است که بدین منظور، با استفاده از نمونه‌گیری داوطلب هدفمند، ۱۸ نوجوان تک‌فرزند انتخاب و با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته مورد بررسی قرار گرفتند.

✉نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه الزهرا، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، گروه مشاوره
پست الکترونیکی: Hosseinian@Alzahra.ac.ir

The interviews were written and documented word-by-word. Finally, the data were analyzed by a thematic analysis method and six main themes were extracted: attention and care, dependency, concern, loneliness, responsibility, and communication triangle. According to the findings of this study, although only-children experience intimacy and friendly relationship with parents and receive more attention and facilities, they suffer a lot of pressure on the various aspects of interaction with parents. Therefore, modifying interactive patterns and awaring parents can be effective in preventing negative outcomes. Given that the findings were derived from an indigenous research, they can be used effectively in developing educational packages for these families.

Keywords: Lived Experience, Single Child Teens, Parent-Child Interaction.

مصاحبه‌ها ضبط و کلمه به کلمه پیاده شد. در نهایت، داده‌ها به شیوه تحلیل مضمون (تماتیک) تجزیه و تحلیل شد. در این مطالعه شش مضمون اصلی استخراج شد که شامل توجه و مراقبت، وابستگی، نگرانی، تنهایی، مسئولیت و مثلث ارتباطی بود. بر اساس یافته‌های این مطالعه، تک‌فرزندان ضمن تجربه صمیمیت و گرمی و هم‌چنین توجه و امکانات بیشتر، فشار زیادی را در ابعاد گوناگون تعامل با والدین متحمل می‌شوند، بنابراین اصلاح الگوهای تعاملی و آگاه‌سازی والدین می‌تواند در پیشگیری از پیامدهای منفی مؤثر باشد. با توجه به اینکه یافته‌ها از یک تحقیق بومی حاصل شد، می‌تواند در ساخت بسته‌های آموزشی ویژه این خانواده‌ها راهگشا باشد.

کلیدواژه‌ها: تجربه زیسته، نوجوان تک‌فرزند، تعامل والد فرزند

مقدمه

در نیم‌قرن اخیر تغییرات بنیادی در شکل و ویژگی‌های خانواده در ایران محسوس بوده است (حسینی، عسکری ندوشن، مرادی، ۱۳۹۵). کاهش سطح زاد و ولد و باروری باعث انتقال از خانواده گسترده به هسته‌ای شده و تمایل به فرزندآوری در والدین کاهش یافته است (منصور^۱، ۲۰۱۸؛ کرتزر^۲ و همکاران، ۲۰۰۹). این کاهش مداوم در میزان متوسط خانواده به تغییر در ساختار و افزایش خانواده‌های تک‌فرزند^۳ منجر شده (تاواریس^۴ و همکاران، ۲۰۰۴) و علاقه والدین به داشتن تنها یک فرزند در حال عمومیت یافتن است. نرخ رشد تک‌فرزندی در کشورهای در حال توسعه حدود هفت درصد و در کشورهای توسعه‌یافته بیش از ۱۵ درصد گزارش شده و این اعداد به سرعت در حال رشد است (کوزلوسکی^۵، ۲۰۱۲).

در ایران نیز به دلیل شرایط فرهنگی اجتماعی، مشکلات اقتصادی، ازدواج در سنین بالا، طلاق و سایر عوامل، تعداد خانواده‌های تک‌فرزند افزایش یافته است (مستری فراهانی^۶، ۲۰۱۸). از دیدگاه روان‌شناسی رشدی نیز اثر تک‌فرزندی یک موضوع مهم در دهه‌های اخیر محسوب می‌شود (کوزلوسکی، ۲۰۱۲). در حالی که تک‌فرزندی ممکن است از نظر مالی راحت‌تر باشد، لازم است به هزینه‌های روان‌شناختی این خانواده‌ها در ارتباط با فرزند نیز توجه شود (کرینن^۷، ۲۰۱۱).

بخش قابل توجهی از پیشینه تحقیقاتی که به مسائل مربوط به تک‌فرزندها پرداخته است، حول محور این فرضیه می‌چرخد که تک‌فرزندها تنها به واسطه جایگاه خود در خانواده، ناتوان بوده و باور عمومی بر این است که بزرگ‌شدن در یک بافت خانوادگی، بدون داشتن خواهر یا برادر، منجر به شکل‌گیری ویژگی‌های رفتاری ویژه‌ای در فرد می‌شود. بنابراین تک‌فرزند بودن؛ موقعیت منحصربه‌فردی است (فلوید، مورمان^۸، ۲۰۰۶). در نتیجه؛ فرایند اجتماعی‌شدن و رشد تک‌فرزندها به حوزه مهمی برای تحقیق و پژوهش تبدیل شده است (فالبو^۹، ۲۰۱۲؛ جیائو، جی و جینگ^{۱۰}، ۱۹۸۶؛ مانچیلای^{۱۱}، ۲۰۰۶؛ ملور^{۱۲}، ۱۹۹۰؛ ونهون و ورکوتن^{۱۳}، ۱۹۸۹). برگرفته از آثار تحقیقاتی فالبو و پولیت^{۱۴} (۱۹۸۶)؛ ترنت و اسپیتز^{۱۵} (۲۰۱۱) چنین ادعا کرده‌اند که «تجربه تک‌فرزند بودن، بر خلاف جایگاه ترتیب تولد، به نوعی شبیه به تجربه فرزند اول یا آخر بودن است و در عین حال خلاف چنین تجربه‌ای نیز هست. چنین تجربه منحصربه‌فردی منجر به شکل‌گیری رفتارها و ویژگی‌های شخصی خاصی نیز می‌شود». هرچند تحقیقات صورت گرفته در رابطه با ویژگی‌های تک‌فرزندها مفید است، با این حال؛ برای درک کامل تأثیرات تک‌فرزند بودن نیازمند در نظر گرفتن دینامیک‌ها و تعاملات خانواده‌های تک‌فرزند هستیم (مک منامین^{۱۶}، ۲۰۱۳).

شیوه تعامل والد فرزندی^{۱۷} موضوعی بسیار مهم و حساس بوده و اساس تحول فرد را تشکیل می‌دهد که در تمام مراحل عمر، به خصوص نوجوانی خودنمایی می‌کند. از آنجا که این دوره برای والدین و نوجوانان مرحله‌ای استرس‌آور است، تأثیرات والدینی در طی کردن این مرحله و تحولات آن بسیار حائز اهمیت است (اکرودبودیو^{۱۸}، ۲۰۱۰). هر خانواده به واسطه الگوی تعاملاتی که رفتارهای اعضای آن و هم‌چنین عملکرد ارتباطی آن را تنظیم می‌کند، مشخص می‌شود (ریان^{۱۹}، ۱۹۹۷). خانواده‌های تک‌فرزند در مقابل چندفرزند می‌توانند رفتار و شناخت فرزندان را به روش‌های متفاوتی شکل دهند (مستری فراهانی، ۲۰۱۸). یکسین^{۲۰} (۲۰۰۷) در پژوهش خود نشان داد تفاوت اساسی در ماهیت تعاملات والد فرزندی در خانواده‌های تک‌فرزند وجود دارد، هی^{۲۱} (۲۰۱۳) بیان می‌کند الگوی خانواده هسته‌ای متمرکز بر فرزند در این خانواده‌ها اثرات پایداری بر فرزندان دارد. فنگ زو^{۲۲} (۲۰۱۶) نیز آسیب‌پذیری خانواده‌های تک‌فرزند را برجسته می‌داند. بنابراین در خانواده‌های تک‌فرزند رابطه والدین و فرزندان به عنوان نیروی اجتماعی شدن اولیه از اهمیت بیشتری برخوردار است (فالبو و هوپر^{۲۳}، ۲۰۱۵). بررسی تحقیقات انجام‌شده تاکنون نشان می‌دهد اکثراً به مقایسه کمی ویژگی‌های این گروه پرداخته که گاه نتایج ضد و نقیضی را دربر دارند؛ برای مثال برخی پژوهش‌ها بیان کردند که تک‌فرزندان افرادی خودمحور، وابسته و دمدمی‌مزاج و از لحاظ اجتماعی ناسازگارند (مانچیلای، ۲۰۰۱ و تامسون^{۲۴}، ۱۹۷۸) در حالی که مطالعات (فالبو و پولیت، ۱۹۸۸ و فالبو پوستون^{۲۵}، ۱۹۹۳) نشان دادند تک‌فرزندان انگیزه و پیشرفت تحصیلی بالاتری داشته و عزت نفس بالاتری دارند.

ستلز^{۲۶} و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهش خود به این اشاره می‌کنند که تک‌فرزندان ممکن است ویژگی‌های نامطلوب شخصیتی هم‌چون خودخواهی و ضعف در پایداری به کنترل رفتاری را بیشتر نشان دهند، در حالی که فالبو و پولیت (۱۹۸۶) معتقدند آن‌ها نسبت به افراد دارای خواهر و برادر هدفمندتر بوده و دارای منبع کنترل درونی هستند. پژوهش بروان و گرابل^{۲۷} (۲۰۱۴) نیز به بررسی ویژگی ریسک‌پذیری در تک‌فرزندان پرداخته و این نتیجه را بیان می‌کند که تک‌فرزندان در این ویژگی به جز در تحمل ریسک بین‌فردی با سایرین تفاوتی ندارند. در حالی که چاو و وانگ^{۲۸} (۲۰۱۵) به نقل از کمرون^{۲۹} (۲۰۱۳) بیان کردند که

تک‌فرزندی روی ریسک‌پذیری و رقابت‌طلبی اثر منفی دارد. از آنجا که این دسته تحقیقات با یافته‌های متناقض و تکرارپذیری اندک، فرض خطای نمونه‌گیری را تقویت می‌کند، بهتر است برای توصیف دقیق‌تر به تجربه مستقیم و بلاواسطه تک‌فرزندان بپردازیم.

بنابراین هدف از انجام این پژوهش بررسی عمیق تجربه نوجوانان تک‌فرزند از تعامل با والدین با رویکرد کیفی است تا تأثیرات این تجربه مورد شناسایی قرار گیرد. در این راستا این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است:

- ۱) تجربه نوجوانان تک‌فرزند از تعامل با والدین چگونه است؟
- ۲) نوجوانان تک‌فرزند در تعامل با والدین چه واکنش‌هایی نشان می‌دهند؟

روش پژوهش: جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

در این پژوهش، برای توصیف تعامل والد فرزند در خانواده‌های تک‌فرزند از روش پدیدارشناسی استفاده شد، زیرا پدیدارشناسی بیش از سایر استراتژی‌ها با تجربه زیسته و زندگی روزمره درگیر است. این روش معنای تجربه بشری را آن‌گونه که شرکت‌کنندگان توصیف کرده‌اند، شناسایی و این امکان را فراهم می‌کند تا به درک عمیق‌تری از تجربه‌های افراد و چارچوب معنایی آن‌ها دست یابیم و در نتیجه معرفت عمیقی درباره آن کسب کنیم. جامعه مطالعه حاضر را نوجوانان تک‌فرزند شهر یزد تشکیل داد. دلیل انتخاب نمونه از بین نوجوانان این بود که با توجه به هدف پژوهش (یعنی درک عمیق از تجربه) این افراد در تعامل با والدین به سطحی از انتزاع رسیده باشند که قدرت پاسخ‌گویی به سؤالات مصاحبه را داشته و در عین حال هنوز درگیر وظایف دوران بزرگسالی هم‌چون ازدواج، شغل و... نبوده و در متن تعامل با والدین باشند. از روش نمونه‌گیری داوطلب هدفمند^{۳۰} جهت انتخاب مشارکت‌کنندگان استفاده شد. از آنجایی که ملاک حجم نمونه رسیدن به اشباع بود، بعد از مصاحبه با ۱۴ نفر اطلاعات به اشباع رسید، اما جهت اطمینان با ۱۸ نفر مصاحبه شد. معیارهای ورود عبارت بود از: تک‌فرزند بودن، دامنه سنی ۱۶ تا ۱۸ سال و تمایل به مشارکت در پژوهش و معیار خروج نیز شامل سابقه فوت خواهر یا برادر، بیماری‌های خاص تک‌فرزند و طلاق والدین بود. در جدول ۱ اطلاعات دموگرافیک آن‌ها ارائه شده است.

جدول ۱: اطلاعات دموگرافیک شرکت‌کننده‌ها

شغل والدین		سن	جنسیت	شرکت‌کننده
مادر	پدر			
خانه‌دار	کارمند	۱۶	دختر	کد ۱
خانه‌دار	کارمند	۱۶	پسر	کد ۲
خانه‌دار	کارمند	۱۸	دختر	کد ۳
معلم	پزشک	۱۸	پسر	کد ۴
خانه‌دار	آزاد	۱۵	پسر	کد ۵
کارمند	آزاد	۱۸	پسر	کد ۶
خانه‌دار	آزاد	۱۸	پسر	کد ۷
خانه‌دار	کارمند	۱۷	دختر	کد ۸
خانه‌دار	آزاد	۱۸	دختر	کد ۹

ادامه جدول ۱

کد ۱۰	پسر	۱۶	آزاد	خانه‌دار
کد ۱۱	پسر	۱۷	آزاد	خانه‌دار
کد ۱۲	پسر	۱۶	آزاد	خانه‌دار
کد ۱۳	پسر	۱۶	آزاد	معلم
کد ۱۴	دختر	۱۷	آزاد	خانه‌دار
کد ۱۵	پسر	۱۸	آزاد	خانه‌دار
کد ۱۶	دختر	۱۶	آزاد	خانه‌دار
کد ۱۷	پسر	۱۸	آزاد	خانه‌دار
کد ۱۸	دختر	۱۸	آزاد	خانه‌دار

ابزار پژوهش

برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. در مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، پژوهشگر فهرستی از پرسش‌ها یا صرفاً موضوع‌های اصلی پژوهش مورد نظر را تهیه می‌کند، مصاحبه‌گر الزامی به رعایت ترتیب در مطرح کردن این سؤال‌ها ندارد، هم‌چنین با توجه به پاسخ‌های مصاحبه‌شونده، پرسش‌های دیگری نیز مطرح می‌کند یا به تفحص بیشتر در پاسخ‌های مصاحبه‌شونده می‌پردازد، در واقع از آزادی و اختیار کافی برخوردار است (حریری^{۳۱}، ۱۳۹۶).

روند تحقیق

روند طراحی مصاحبه به این ترتیب بود که ابتدا تعداد زیادی سؤال طراحی شد، در طراحی سؤالات سعی شد جهت تضمین اعتباری و روایی معیارهایی هم‌چون ارتباط با پرسش تحقیق، واضح و روشن بودن و جهت‌دار نبودن سؤالات رعایت شود، سپس این سؤالات به پنج متخصص ارائه و با توجه به نظر آن‌ها و هم‌چنین از طریق چک‌لیست نکات کلیدی مصاحبه (اولریچ^{۳۲}، ۱۹۹۹، به نقل از فلیک^{۳۳}) مورد ارزیابی مجدد قرار گرفت و در نهایت سه سؤال مناسب انتخاب و در مصاحبه‌ها مورد استفاده قرار گرفت:

۱) تجربه شما به عنوان یک تک‌فرزند در ارتباط با والدین چگونه است؟

۲) نقاط قوت رابطه شما با والدین به عنوان تک‌فرزند چیست؟

۳) نقاط ضعف رابطه شما با والدین به عنوان تک‌فرزند چیست؟

همان‌طور که در قاعده مصاحبه نیمه‌ساختاریافته ذکر شد، در صورت لزوم و با توجه به پاسخ‌های افراد سؤالات جزئی‌تری هم‌چون: لطفاً بیشتر توضیح دهید؟ منظورتان از این‌که شما را زیاد کنترل می‌کنند، چیست؟ و... پرسیده شد. مراجعان با هماهنگی قبلی و با اطلاع از اهداف تحقیق در مصاحبه شرکت کردند. اغلب مصاحبه‌ها در مرکز مشاوره مهر شفا با مجوز سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره ایران در شهر یزد انجام شد. به این ترتیب که از تک‌فرزندان به صورت تک به تک مصاحبه انجام شد و پس از اطمینان دادن به مشارکت‌کنندگان از محرمانه بودن اطلاعات، اجازه ضبط مصاحبه‌ها از آن‌ها اخذ شد.

تلاش شد با ایجاد جو صمیمانه رابطه خوبی با آن‌ها ایجاد شود تا در یک محیط دوستانه به سؤالات پاسخ دهند. هم‌چنین در شروع مصاحبه به شرکت‌کنندگان گفته شد که علاقه‌مند به شنیدن تجربه آن‌ها در مورد رابطه تک‌فرزندان با والدین‌شان هستیم.

مصاحبه‌ها با توجه به میزان همکاری و علاقه مشارکت‌کنندگان بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید. سپس برای انجام تحلیل‌های بعدی، مصاحبه‌ها به دقت پیاده‌سازی شد. لازم به ذکر است که برای محفوظ ماندن مشخصات آزمودنی‌ها، در گزارش نقل قول‌ها از عبارات (کد ۱ و ۲ و...) استفاده شد. به منظور صحت و اعتبار داده‌های پژوهش از چهار شاخص اعتبار لیکولن و کوبا^{۳۴} استفاده شد. برای تضمین قابلیت اعتبار داده‌ها پس از تحلیل، هر مصاحبه دوباره به مشارکت‌کنندگان بازگشت داده شد تا صحت و سقم مطالب تأیید و تغییرات لازم اعمال شود. جهت تضمین قابلیت تصدیق سعی بر آن بود که پژوهشگر پیشین خود را تا حد امکان در فرایند جمع‌آوری داده‌ها دخالت ندهد. جهت تصدیق قابلیت اطمینان و کفایت، از راهنمایی و نظارت همکاران متخصص استفاده شد و متن مصاحبه جهت بررسی کدگذاری‌ها به استادان و یک متخصص پژوهش کیفی داده شد.

روش تحلیل داده‌ها

جهت تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از انجام مصاحبه، از روش تحلیل موضوعی^{۳۵} که در پدیدارشناسی مرسوم است، استفاده شد. تحلیل موضوعی عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون‌داده‌ای و برون‌داده‌ای، به یک سنخ‌شناسی تحلیل دست می‌یابد. این نوع تحلیل در وهله اول به دنبال الگویابی در داده است. نسخه‌های متعددی از تحلیل موضوعی وجود دارد. در پژوهش حاضر از روش دپوی و گیتین^{۳۶} که نسخه طبیعت‌گرا از تحلیل موضوعی را ارائه کردند، استفاده شد. این روش شامل دو مرحله است که مرحله اول از چهار زیرمرحله تشکیل شده که می‌تواند به صورت هم‌زمان صورت گیرد. این زیرمراحل عبارتند از: «درگیری در تفکر قیاسی استقرایی به طور هم‌زمان، ساخت و تدوین مقوله‌ها، گروه‌بندی مقوله‌ها در سطح بالاتر از انتزاع و کشف معنایی و تم‌های زیرین». مرحله دوم نسخه طبیعت‌گرای تحلیل موضوعی به آماده‌کردن گزارش تحقیق اختصاص دارد که در بخش بحث و نتیجه‌گیری به آن پرداخته می‌شود.

یافته‌ها

هدف از این مطالعه بررسی تجربه زیسته نوجوانان تک‌فرزند در تعامل با والدین بود. یافته‌ها نشان می‌دهد که تجربه این افراد در قالب شش مضمون اصلی قرار می‌گیرد که عبارتند از توجه و مراقبت، وابستگی، نگرانی، تنهایی، مسئولیت و مثلث ارتباطی. در ادامه این مضامین و زیرمجموعه‌های آن‌ها به تفصیل مطرح می‌شود.

۱- توجه و مراقبت

یکی از مواردی که نوجوانان تک‌فرزند در ارتباط با والدین به آن اشاره داشتند، ادراک از توجه و مراقبت در تعاملات بود و مضامین فرعی که در این رابطه مورد اشاره قرار گرفت، عبارت بود از: صمیمیت و گرمی، مرکز توجه والدین، برآورده شدن خواسته‌ها، مراقبت افراطی.

۱-۱- **صمیمیت و گرمی:** مشارکت‌کنندگان این مسأله را با جملاتی هم‌چون صمیمیت، دوستی، گرمی و... ابراز کردند. «با والدینم خیلی صمیمی هستم، اتفاقات روزمره را بهشون می‌گم، خیلی باهاشون ارتباط قوی‌ای

دارم، چون تنها کسانی بودن که باهاشون بودم» (کد ۴، دختر). مشارکت‌کنندگان دیگر در این زمینه بیان کردند: «با مامانم خیلی صمیمی هستم، هر کاری می‌کنم، می‌دونه. اون خیلی کنجکاوی می‌کنه در مورد ما همه چیزو بهش می‌گم، کلاً وقتی خودمو با اون‌هایی که خواهر و برادر دارن، مقایسه می‌کنم، می‌بینم ما خیلی صمیمی‌تر هستیم» (کد ۶، پسر).

۱-۲- مرکز توجه والدین: توجه والدین نیز یکی از مواردی بود که اکثر مشارکت‌کنندگان به اشکال گوناگونی به آن اشاره داشتند: «خیلی عزیز هستی همه توجه برای توئه» (کد ۱۸)، «تک که باشی توجه خیلی زیادی از پدر و مادر می‌گیری» (کد ۱۷)، «توی خانواده همه توجه‌ها به منه» (کد ۳)، «توجه زیادی به منه» (کد ۱۳)، «توی خانواده‌های چندفرزند توجه تقسیم می‌شه، اما تو خونه ما همه توجه به منه» (کد ۱، پسر).

۱-۳- برآورده شدن خواسته‌ها: شرکت‌کنندگان به رفاه، تأمین نیازها و خواسته‌هایشان از سوی والدین به عنوان یک مفهوم اشاره داشتند: «همه چیز برات فراهمه، نگران تأمین خواسته‌ها نیستی. می‌دونی پدر و مادر همه چیزشونو به پات می‌ریزن» (کد ۱۲، پسر)، «از لحاظ مالی خیلی خوبه، همه خواسته‌ها رو برآورده می‌کنن» (کد ۱۸، دختر).

۱-۴- مراقبت افراطی: مراقبت افراطی از دید نوجوانان تک‌فرزند میزانی از مراقبت و توجه والدین بود که برای آن‌ها حالت آزاردهنده و افراطی داشت و در واقع آن را نوعی بیش‌حمایتی از سوی والدین تلقی می‌کردند: «پدر و مادرم خیلی هوامو دارن، اما توجه بی‌مورد هم زیاد بوده، حمایت‌شون خیلی زیاده و این جاهایی؛ مخصوصاً هر چی بزرگ‌تر می‌شی، به نظرت بده، یه جورایی می‌شه گفت آزادی و استقلال رو می‌گیره» (کد ۱، پسر)، «توی خونه هیچ کاری رو نمی‌گذارن من انجام بدم و این باعث شده بخوام کاری هم بکنم، برام سخت باشه، درسته توجه زیادی بهم می‌شه، ولی برای من لذت‌بخش نیست» (کد ۲، دختر).

۲- وابستگی

بخشی از تجربه شرکت‌کنندگان مربوط به مسأله وابستگی در مقابل استقلال بود، استقلال و خودمختاری یکی از موضوعات مهم رشدی است؛ موضوعی که تک‌فرزندان به آن پرداختند و به شکل وابستگی شناختی و عاطفی مطرح شد.

۲-۱- وابستگی شناختی: وابستگی شناختی، عدم استقلالی است که شرکت‌کنندگان در تصمیم‌گیری و خودمختاری فکری تجربه کرده و به آن اشاره داشتند: «مادرم خیلی توی تصمیم‌هام دخالت می‌کنه و این منو آزار می‌ده، به نظرم به اندازه کافی بهم استقلال نمی‌ده» (کد ۲، دختر)، «از بس می‌ترسن طوریم بشه، هی بهم گوشزد می‌کنن این کارو بکن، اون کارو نکن، نمی‌گذارن خودم تجربه کنم، اشتباه کنم، نمی‌گذارن خودم به این درک برسم که چی درسته، چی غلطه» (کد ۱۶، پسر).

۲-۲- وابستگی عاطفی: این موضوع به دیدگاه شرکت‌کنندگان در مورد تجربه عاطفی که با والدین داشتند، اشاره داشت. آن‌ها معتقد بودند از لحاظ احساسی وابستگی متقابل زیادی را تجربه می‌کنند: «خیلی

بهشون وابسته هستم، اون‌ها هم همین‌طور خیلی به من وابسته هستن» (کد ۵، پسر)، «به خاطر وابستگی زیادشون نمی‌خوان من مستقل بشم، همیشه می‌خوان کنارشون باشم، حتی می‌خوان بعد از ازدواج هم پیش خودشون زندگی کنم» (کد ۱۸، دختر).

۳- نگرانی

تحلیل تجربه زیسته نوجوانان تک‌فرزند نشان داد «نگرانی» یکی از مضمون‌های بسیار مهم در تجربه تک‌فرزندی است؛ این مضمون به میزان نگرانی و استرسی که تک‌فرزندان از سوی والدین ادراک می‌کردند، اشاره داشت. در ادامه مضامین فرعی مرتبط مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱- نگرانی در ارتباط با همسالان: ارتباط با همسالان و استرسی که نوجوانان تک‌فرزند در این زمینه از سوی والدین ادراک می‌کنند، مواردی بود که شرکت‌کنندگان به اشکال مختلف به آن اشاره داشتند: «مثلاً با دوستانم میرم بیرون، توی این مدت مادر و پدرم هزار بار باهام تماس می‌گیرن، در حالی که بقیه دوستانم این‌طور نیستن، اونا از بس نگران من هستن و می‌ترسن من طوریم بشه، زیاد چک می‌کنن، فکر می‌کنم اگه چند تا بودیم، تجربه بیشتری داشتن، می‌فهمیدن چطور با بچه رفتار کنن و می‌فهمیدن هر چی بیشتر گیر بدن، بدتره، این نگرانی‌های بیش از حد خیلی آدمو اذیت می‌کنه» (کد ۶، پسر).

۳-۲- نگرانی در مورد آینده: بخشی از تجربه نوجوانان تک‌فرزند در ارتباط با نگرانی در مورد آینده مطرح می‌شود: «خیلی نگران هستن آینده‌م چی می‌شه و این نگرانی‌های زیاد باعث میشه کلاً زیر ذره‌بین‌شون باشم، چه تو درس خوندن، چه توی هر کار دیگه‌ای و این نتیجه عکس می‌ده به جای این‌که من برم به سمت موفق شدن، بیشتر از حساسیت‌شون ناراحت می‌شم» (کد ۱۴، پسر).

۳-۳- نگرانی در مورد سلامتی: مورد دیگری که شرکت‌کنندگان به آن اشاره داشتند، ادراک آن‌ها در ارتباط با نگرانی در مورد سلامتی بود: «نگران سلامتی‌ام هستن، مثلاً چه غذایی خوردم، چه فیلمی می‌بینم، با گوشیم زیاد بازی نکنم، کی می‌خوابم و...» از بچگی‌هام یادمه همش نگران مریض شدنم بودن، تا یه عطسه می‌کردم، زودی می‌بردنم دکتر و انگار همین باعث می‌شد من بیشتر از بچه‌های دیگه مریض بشم، اون ویروس‌هایی رو که هیچ کس نمی‌گرفت، من می‌گرفتم (با حالت خنده)» (کد ۷، دختر).

۴- تنهایی

مضمون «تنهایی» به حالتی ناخوشایند اشاره دارد و از مقایسه تعاملات موجود با وضعیت مطلوب ادراک می‌شود که اغلب افراد می‌کوشند از آن اجتناب کنند. شرکت‌کنندگان در این پژوهش به اشکال مختلفی به این مضمون اشاره داشتند.

۴-۱- احساس تنهایی: «یه وقت‌هایی خیلی احساس تنهایی می‌کنم، فکر می‌کنم ویژگی اصلی‌ای که من دارم احساس تنهاییه» (کد ۳، پسر)، «گاهی احساس تنهایی می‌کنم» (کد ۴، پسر)، «خیلی احساس تنهایی برای تک‌فرزندها بیشتره، تک‌فرزند بودن به نظر من یعنی احساس تنهایی» (کد ۷، دختر).

۴-۲- درونی کردن مشکلات: درونی کردن مشکلات مفهومی بود که شرکت‌کنندگان به اشکال متعدد به آن اشاره داشتند: «خیلی چیزها رو نمی‌شه به مامان و بابا بگی، چون بیشتر به هم می‌ریزن، یا خیلی نگران

می‌شن، لازمه به کسی بگی که هم‌دوره خودته، از یه طرف به دوستان هم نمی‌شه خیلی اطمینان کرد، مجبورم تو خودم بریزم یا با خودم حلش کنم، من از این لحاظ خیلی فکر می‌کنم تنهام، فکر می‌کنم اگه خواهر داشتم باهاش درددل می‌کردم» (کد ۱۵، دختر). «خواهر و برادری ندارم که باهاش درددل کنم، دوستم نمی‌تونه جای خواهر و برادر رو برات بگیره، اون اطمینان وجود نداره، بیشتر مشکلات رو تو خودم می‌ریزم و مجبورم مشکلاتمو خودم حل کنم» (کد ۱۷، پسر).

۴-۳- ترس از تنهایی خود: این مفهوم نیز به طور مکرر از سوی شرکت‌کنندگان بیان شد: «در آینده من هیچ کسی رو ندارم، مامان و بابام که نباشن من کاملاً بی‌کس و تنها می‌شم» (کد ۱۴، پسر)، «اگه من پس‌فردا ازدواج کنم، کسی رو ندارم باهاش درددل کنم، پشتوانه‌ای ندارم، وقتی به زمانی فکر می‌کنم که پدر و مادرم نباشن، فکر می‌کنم چقدر تنها و بی‌کس هستم» (کد ۲، دختر).

۴-۴- ترس از تنهایی والدین: ترس از تنهایی در مورد والدین نیز به شیوه‌های مختلفی مطرح شد: «من خیلی به تنها شدن پدر و مادرم فکر می‌کنم، هم خودم تنهام، هم از تنهایی اونا نگرانم» (کد ۱۷، پسر)، «فکر می‌کنم تنها شدن برای مادر و پدرمم سخته خیلی، من حتی به این فکر می‌کنم شرطم برای ازدواج این باشه که نزدیک پدر و مادرم باشیم، ازشون دور نشیم» (کد ۱۵، دختر).

۵- مسئولیت

در توصیف شرکت‌کنندگان از تجربه خود احساس مسئولیت به صورت‌های مختلفی نمود می‌یابد، این بخش از تجربه تک‌فرزندان به دو شکل «مسئولیت عاطفی» و «مسئولیت نگهداری والدین» پدیدار شد.

۵-۱- مسئولیت عاطفی: مسئولیت عاطفی به تجاربی اشاره دارد که نوجوانان تک‌فرزند در مورد عواطف و احساسات والدین خود دارند: «مسئولیت تک‌فرزند خیلی زیاده، تمرکز خیلی زیادی روت دارن و این به آدم احساس مسئولیت می‌ده، این که تو هم باید جبران کنی، مثلاً از اول صبح که بیدار می‌شی، همه چیز رو با این محک می‌سنجی که اگه فلان کار رو بکنم پدر و مادرم چی می‌شین، چه تأثیری روشون داره، هی بهت می‌گن همه زندگی ما تویی و این خودش این قدر فشار و مسئولیت بهت وارد می‌کنه که همین مسأله از همه مزایای تک‌بودن بدتره، این مسئولیت احساسی که بهشون دارم، خیلی منو آزار می‌ده» (کد ۶، پسر)، «یه عیب بزرگ تک‌بودن به نظر من اینه که چون یه دونه‌ای، نمی‌خوای پدر و مادرتو ناراحت کنی و می‌دونی اگه مشکلی برات پیش بیاد، اونا نابود می‌شن، همیشه از ناراحت‌شدن اونا نگرانی داری و احساس مسئولیت می‌کنی» (کد ۷، دختر).

۵-۲- مسئولیت نگهداری: تک‌فرزندان در تجربه خود به دغدغه مسئولیت و نگهداری والدین در دوران پیری اشاره دارند که شرکت‌کنندگان به این موضوع نیز پرداخته‌اند: «پدر و مادرم وقتی پیر بشن، مراقبت‌شون همش به عهده منه، خواهر و برادری ندارم که وظایفمو باهاشون تقسیم کنم» (کد ۱۲، پسر)، «به چیزی که خیلی فکر می‌کنم، اینه که بعدها که اونا پیر بشن، من تنها مسئول نگهداری‌شون هستم» (کد ۱۰، دختر).

۶- مثلث ارتباطی

این مضمون به ادراکی که تک‌فرزندان در مورد ساختار خانوادگی و نقشی که در رابطه بین والدین دارند، اشاره می‌کند و در قالب دو مضمون فرعی «میانجی در رابطه والدین» و «سپر بلا» مطرح شد.

۶-۱- میانجی رابطه: در این مضمون تک‌فرزندان خود را میانجی و پیوندزننده رابطه والدین توصیف کردند: «گاهی احساس می‌کنم تو رابطه مامان و بابام نقش چسب رو دارم» (کد ۱۰، دختر)، «من نقطه اشتراکشونم، گاهی به این فکر می‌کنم که اگه من نبودم، اصلاً باهم نمی‌موندن» (کد ۶، پسر).

۶-۲- سپر بلا: سپر بلا یعنی «وقتی دعواشون میشه همه فشارش رو منه، این خیلی سخته، فکر می‌کنم اگه خواهر داشتم، این جور موقع‌ها این قدر سخت نمی‌گذشت، بدیش اینه که اگه طرف هر کدوم رو بگیرم، اون یکی بدش میاد، بچه‌تر که بودم همش از مامانم طرفداری می‌کردم، اونم درد دل‌ها و حرفایی که بابام نمی‌زد به من می‌گفت، الانم همین طوره» (کد ۱۵، دختر).

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی مصاحبه‌های شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد ادراک نوجوانان از تعامل والدین در پنج مضمون اصلی توجه و مراقبت، استقلال - وابستگی، نگرانی، تنهایی و مسئولیت قابل بررسی است. تجربه شرکت‌کنندگان در حوزه توجه و مراقبت به این موضوع اشاره داشت که آن‌ها رابطه صمیمانه و نزدیکی با والدین داشته و به این واسطه امتیازهایی هم‌چون توجه، زمان و برآورده شدن خواسته‌ها در اختیارشان قرار می‌گیرد، اما اکثراً در این مورد اتفاق نظر داشتند که این توجه افراطی و مراقبت زیاد گاهی برایشان آزاردهنده بوده و آن‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد. در این زمینه پژوهش‌های مختلف، نتایج متفاوتی را نشان می‌دهد؛ به عنوان مثال برخی محققان بر این باورند که تک‌فرزندان برای جلب توجه والدین خود درگیر هیچ‌گونه رقابتی نبوده و همین امر منجر به عزت نفس و اعتماد به نفس بیشتر و رشد ویژگی‌های شخصیتی مثبت خواهد شد (پولیت و فالبو، ۱۹۸۹؛ وینهن و ورکیتن^{۳۷}، ۱۹۸۹؛ ریان، ۱۹۹۷؛ مانچیل، ۲۰۰۶؛ مک‌منامین، ۲۰۱۳؛ براون و گرابل^{۳۸}، ۲۰۱۵). رابطه قوی با والدین جنبه مثبتی از زندگی نوجوانان تک‌فرزند به شمار می‌رود؛ با این حال پژوهش‌ها حاکی از این است که رابطه صمیمانه میان والدین و فرزندان در خانواده‌های تک‌فرزند می‌تواند مشکلاتی برای آن‌ها ایجاد کند؛ به خصوص زمانی که والدین تنش‌ها و انتظارات ناسالم خود را به فرزند انتقال داده یا در برخورد با چرخه‌های رشدی مشکل دارند (کارفورا^{۳۹}، ۲۰۰۹).

فالبو (۲۰۱۲) در پژوهش خود دریافت که تک‌فرزندها در توصیف رابطه خود با والدین به ویژگی توجه بیش از حد و مراقبت افراطی اشاره می‌کنند؛ آدلر^{۴۰} (۱۹۲۸) بیان می‌کند که تک‌فرزندها معمولاً تحت مراقبت افراطی و اغراق‌آمیز والدین خود قرار گرفته و همین امر منجر به وابستگی‌های کودک‌محور، فشار و استرس خواهد شد. مینوچین^{۴۱} (۱۹۷۴) نیز معتقد است در حوزه‌هایی مثل رشد خودمختاری ممکن است مشکلاتی به وجود آید، به خصوص زمانی که این افراد به سنین نوجوانی رسیده و میل به خودمختاری خود را آشکار می‌کنند. بنابراین، در خانواده‌های تک‌فرزند، رابطه نزدیک و صمیمانه‌ای بین والدین و فرزندان برقرار است که این نزدیکی و صمیمیت هم سودمند است و هم مشکل‌ساز (کوزولسکی، ۲۰۱۲). موضوع دیگری که

شرکت‌کنندگان در این پژوهش به آن اشاره داشتند، مسأله وابستگی بود، تجربه آن‌ها حاکی از این بود که وابستگی متقابلی در حوزه‌های شناختی و عاطفی، با والدین خود تجربه می‌کنند. یکسین (۲۰۰۷) معتقد است که تک‌فرزندان حس وابستگی زیادی به والدین دارند؛ زیرا تجربه کمی از عدم پذیرش و جدایی از والدین کسب کرده‌اند. در واقع شیوه به خصوص تعاملی که در خانواده‌های تک‌فرزند وجود دارد، ممکن است الگوهای وابستگی را تقویت کرده و فرزند را در دستیابی به استقلال دچار مشکل کند، این در حالی است که دستیابی به استقلال یکی از هدف‌های رشدی در دوران نوجوانی بوده و رشد صحیح آن، شکوفایی در مراحل بالاتر را تحت تأثیر قرار خواهد داد (رنک^{۴۲} و همکاران، ۲۰۰۵). کرین (۲۰۱۱) نیز نشان داد والدین تک‌فرزند معمولاً کنترل بیشتری روی فرزندشان دارند، بنابراین این افراد مجبورند در انجام کارها و برنامه‌هایشان تهاجمی‌تر رفتار کنند.

هم‌چنین بر اساس یافته‌های ریچاردسون^{۴۳} (۲۰۰۶) رابطه تک‌فرزندان، هرگز با والدین‌شان قطع نمی‌شود؛ تعداد زیادی از بزرگسالان تک‌فرزند تا ۴۰ سالگی و قبل از آن هنوز احساس می‌کنند که والدین‌شان بر آن‌ها تأثیرگذارند؛ علاوه بر این، بیشتر تک‌فرزندان خود را ادامه‌دهنده آرزوها و ترس‌های والدین می‌بینند و توان رهایی از این موضوع را ندارند، این فشار والدین بر تک‌فرزندان بیشتر از افراد دارای خواهر و برادر احساس می‌شود؛ به طوری که وقتی تلاش می‌کنند مستقل عمل کنند، معمولاً احساس گناه و نفرت از خود را تجربه می‌کنند. کوپر^{۴۴} و همکاران (۱۹۸۴) در مطالعات خود نشان دادند ویژگی ارتباطی قدرتمند والدین و فرزند در خانواده‌های تک‌فرزند، ممکن است برای حوزه‌هایی هم‌چون رشد عقلی، مفید و مؤثر باشد، اما ممکن است در سایر حوزه‌ها آسیب‌زننده باشد، آن‌ها چنین نتیجه گرفتند که رشد سالم در حوزه‌هایی مثل بلوغ و استقلال، زمانی رخ می‌دهد که سیستم زیرمجموعه‌ای والدینی سالم و فعال باشد (ریان، ۱۹۹۷) در واقع همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، تک‌فرزندی به خودی خود یک عدم مزیت نیست، نقش والدین و برخورد صحیح آن‌ها با مسائل رشدی هم‌چون موضوع استقلال از اهمیت بالایی برخوردار است. در این پژوهش؛ نگرانی‌های افراطی والدین موضوع دیگری بود که در تجربه تک‌فرزندان به آن اشاره شد. مانچيلا (کارفورا، ۲۰۰۹) در تحقیقات خود چنین دریافت که تک‌فرزندها معمولاً نگرانی‌ها و هشدارهای والدین را به شکل منبعی از فشارهای جانبی تفسیر می‌کنند که طی آن توجه پیوسته به سلامت، امنیت و آینده تک‌فرزند باعث می‌شود ایشان دنیا را به شکل یک بیمارستان ببینند، چنین اضطرابی می‌تواند بر ترس همیشگی فرد از مشکلات تأثیرگذار بوده و منجر به این شود که تک‌فرزندان در رسیدن به اهداف، عملکردی ناشیانه و غیرماهانه داشته و در مقابل عوامل استرس‌زای خانوادگی آسیب‌پذیری بیشتری نشان دهند.

احساس تنهایی و مضامین مرتبط با آن هم‌چون درونی‌کردن مشکلات و ترس از تنهایی خود و والدین، موضوعی بود که به صورت مکرر در تجربه نوجوانان تک‌فرزند به آن اشاره شد. این یافته با پژوهش‌های شجاعی و یزدخواستی (۱۳۹۶)، رولان^{۴۵} (۲۰۱۸) و رابرتز و بلانتون^{۴۶} (۲۰۰۱) هم‌سو بود. از دیدگاه ساختاری، از آنجایی که در غیاب خواهر و برادر زیرمجموعه همشیرها برای فرزند فراهم نمی‌شود، در نتیجه آن‌ها در «زیرمجموعه‌ای یگانه» قرار می‌گیرند (ریان، ۱۹۹۷)، بنابراین طبیعی است که تا زمانی که به بزرگسالی برسند، مدت‌زمان زیادی را در تنهایی صرف می‌کنند؛ برخی پژوهشگران هم‌چون رابرتز و بلانتون (۲۰۰۱) و ریچاردسون (۲۰۰۶) این مسأله را یک ویژگی مثبت ارزیابی کرده که منجر به رشد قابلیت‌های مثبتی

هم‌چون خلاقیت، لذت از تنهایی و توانایی سرگرم کردن خود خواهد شد و برخی نیز به عواقب منفی آن هم‌چون انزوای اجتماعی، روی آوردن به فضای مجازی، درونی‌سازی مشکلات و افسردگی اشاره می‌کنند (کرین، ۲۰۱۱). به گفته لایون^{۴۷} (۲۰۰۱) بیان احساسات عمیق برای تک‌فرزندان دشوار است. بنابراین آن‌ها برای سازگاری با والدین این احساسات را سرکوب می‌کنند. تنو^{۴۸} (۱۹۹۶) نیز نشان داد تک‌فرزندان به احتمال بیشتری مشکلات خود را درونی می‌کنند که این درون‌ریزی مشکلات می‌تواند منجر به افسردگی شود. به طور کلی احساس تنهایی، تجربه‌ای مخصوص در تک‌فرزندان است، اما وقتی این احساس به طور مکرر برای آن‌ها اتفاق بیفتد، می‌تواند اثرات مخربی بر سلامت جسمی، روانی و عاطفی آنان بگذارد. مسئولیت مضمون دیگری بود که به آن اشاره شد؛ فونگ^{۴۹} (۲۰۰۴) به این اشاره می‌کند که تک‌فرزندان در بزرگسالی با استرس و مسئولیت مراقبت از والدین مواجه می‌شوند که شامل برطرف کردن نیازهای عاطفی، مالی و فیزیکی آن‌هاست. آن‌ها فشار زیادی در این زمینه احساس می‌کنند؛ زیرا هم‌شیر دیگری برای تقسیم وظایف وجود ندارد. دوچ^{۵۰} (۲۰۰۶) نیز در یک مطالعه مسأله مراقبت از والدین را مورد بررسی قرار داد. او نشان داد تعداد زیادی از تک‌فرزندان خود را مسئول شاد کردن والدین می‌دانند.

در واقع این الگوی خانواده هسته‌ای متمرکز بر فرزند در ازای تمام منابع خانوادگی که به تک‌فرزندان اختصاص می‌دهد، فشار بیشتری را در حوزه مسئولیت بر دوش آن‌ها می‌گذارد. «مثلث ارتباطی» مضمونی بود که به نقش تک‌فرزند در رابطه والدین اشاره داشت، این یافته با پژوهش (کارفورا، ۲۰۰۹) هم‌سو بود. بوئن در نظریه خود در رابطه با خانواده‌ها، مفهوم مثلث‌سازی را معرفی کرد که طی آن مؤلفه سوم - که ممکن است یکی از اعضای خانواده یا ماده‌ای مخدر باشد - برای حفظ ثبات و کاهش اضطراب در درون رابطه‌های دوتایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثلث روابط معمولاً در میان مادر - پدر - فرزند رخ می‌دهد و در نتیجه از نظر ساختاری در اکثر خانواده‌های تک‌فرزند به صورت اتوماتیک وجود دارد، ولی لزوماً ناکارآمد نیست، بلکه حالتی ذاتی و درونی دارد، اما زمانی که استرس و اضطراب درون سیستم‌های عاطفی خیلی بالا باشد، حالتی خنثی‌کننده به خود می‌گیرد. بوئن چنین پیشنهاد می‌کند که معمولاً فرزندانی که در این زنجیره سه‌تایی قرار می‌گیرند و وارد حوزه زناشویی والدین می‌شوند، بیشتر پذیرای استرس‌های خانوادگی بوده و در معرض آسیب هستند، در واقع بر اساس ماهیت تک‌فرزند بودن، معمولاً در یک خانواده سه‌نفره، در زمان نیاز تک‌فرزندها به خاطر حفظ ثبات سیستم، آسیب‌پذیرتر هستند (کارفورا، ۲۰۰۹).

به صورت کلی می‌توان گفت نوجوانان تک‌فرزند شرکت‌کننده در این پژوهش با وجودی که به مزایا و نقاط مثبت تک‌فرزندی هم‌چون دریافت توجه بیشتر، گرمی و صمیمیت و رفاه مالی اشاره دارند؛ اما فشار ارتباطی زیادی در ابعاد مختلف تعامل با والدین تجربه می‌کنند، البته توجه به شرایط تحولی شرکت‌کنندگان به عنوان نوجوان از اهمیت بالایی برخوردار است، ولی آنچه به نظر ضروری می‌رسد این است که این نوجوانان با درکی که از تجربه خود به عنوان تک‌فرزند داشته و حتی خود را با همسالان غیرتک‌فرزند مقایسه می‌کردند، به این جمع‌بندی رسیدند؛ بنابراین اصلاح الگوهای تعاملی در این خانواده‌ها و آموزش به والدین در مورد ریسک فاکتورهای تربیتی در تک‌فرزندی از اهمیت زیادی برخوردار است.

از سویی توجه به بحث فرهنگ و کلیشه‌های مربوط به تک‌فرزندی به عنوان عاملی که هم بر رفتارهای تربیتی والدین مؤثر بوده و هم شناخت تک‌فرزند را نسبت به خود و والدین تحت تأثیر قرار می‌دهد، حائز

اهمیت است، بنابراین الگوهای اجتماعی و تعاملی وابسته به فرهنگ شهر یزد به عنوان شهر سنتی و مذهبی که ایده‌آل‌های فرزندآوری آن تک‌فرزندی را مناسب نمی‌داند و فرهنگ جمع‌گرایی شاخصه آن است، به طور حتم بر این یافته مؤثر بوده و در تحلیل آن اثرگذار است، پس به نظر می‌رسد علاوه بر توجه به الگوهای تعاملی در خانواده، لازم است این کلیشه‌ها نیز بررسی و اثرات مخرب آن شناسایی و مرتفع شود.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به این اشاره کرد که جامعه پژوهش از تک‌فرزندان شهر یزد انتخاب شد، پس تعمیم نتایج به تک‌فرزندان شهرهای دیگر که بافت فرهنگی متفاوتی دارند، باید با احتیاط صورت گیرد، همچنین نمونه شرکت‌کننده در این پژوهش را نوجوانان تشکیل می‌دادند که نیازهای تحولی ویژه‌ای داشته و بر تجربه آن‌ها مؤثر است؛ بنابراین تعمیم نتایج به تک‌فرزندان در گروه سنی مختلف نیز با ابهام مواجه است. پژوهش حاضر تجربه تعامل با والدین را فقط از دیدگاه تک‌فرزندان بررسی کرد، در حالی که برای رسیدن به دانشی عمیق‌تر بهتر است نقطه‌نظر والدین را نیز در نظر بگیریم.

بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی علاوه بر بررسی این تجربه در گروه‌های سنی دیگر به خصوص بزرگسالی، دیدگاه والدین نیز بررسی شده و با تکنیک‌های سه‌سوسازی و جمع‌آوری اطلاعات از منابع مختلف برداشت عمیق‌تری از این تجربه ارائه شود.

در نهایت پیشنهاد می‌شود محققان در آینده در زمینه بررسی ساختار خانواده‌های تک‌فرزند، نقش فرهنگ و باورهای غلط تربیتی در زمینه تک‌فرزندی و همچنین بررسی تجارب زیسته تک‌فرزندان سایر شهرها نیز به پژوهش بپردازند.

تشکر و قدردانی

این مطالعه حاصل پایان‌نامه دکتری است. بدین وسیله نویسندگان از خانواده‌های تک‌فرزند شهر یزد و پرسنل محترم مرکز مشاوره مهر شفا و همچنین خانم دکتر شادی ضابط که در اجرای این پژوهش کمال همکاری را داشته‌اند، تقدیر و تشکر به عمل می‌آورند.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|--------------------------|-----------------------------------|
| 1. Mansou | 26. Settles |
| 2. Kertzer | 27. Brown & Grable |
| 3. Single Child Family | 28. Chao & Wang |
| 4. Tavaresa | 29. Cameron |
| 5. Kozlowski | 30. Voluntary Purposeful Sampling |
| 6. Mastari Farahani | 31. Hariri |
| 7. Krynen | 32. Ulrich |
| 8. Floyd & Morman | 33. Flick |
| 9. Falbo | 34. Lincoln & Guba |
| 10. Jiao, Ji, & Jing | 35. Thematic Analysis |
| 11. Mancillas | 36. DePoy & Gitlin |
| 12. Mellor | 37. Veenhoven & Verkuyten |
| 13. Veenhoven & Verkuten | 38. Brown & Grable |

- | | |
|------------------------------|-----------------------|
| 14. Polit's | 39. Carfora |
| 15. Trent & Spitze | 40. Adler |
| 16. McMenamin | 41. Minuchin |
| 17. Parent-Child Interaction | 42. Renk |
| 18. Okrodudu | 43. Richardson |
| 19. Ryan | 44. Cooper |
| 20. Yixin | 45. Rolan |
| 21. He | 46. Roberts & Blanton |
| 22. Fang-Zhou | 47. Lavin |
| 23. Hooper | 48. Tao |
| 24. Thompson | 49. Fong |
| 25. Poston | 50. Duetsch |

منابع

- حریری، ن. (۱۳۹۶). *اصول و روش‌های پژوهش کیفی*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات.
- حسینی، ح.، عسکری ندوشن، ع.، و مرادی، ن. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی تمایلات فرزندآوری زنان کرد و شیعه در مناطق روستایی شهرستان کامیاران. *فصلنامه مطالعات زن و خانواده*، ۴(۱)، ۶۳-۸۴.
- فلیک، آ. (۲۰۰۶). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه ه. جلیلی (۱۳۹۲). تهران: نشر نی.
- شجاعی، ج. و یزدخواستی، ب. (۱۳۹۵). تجربه زیسته تک‌فرزندان از تک‌فرزندگی: مطالعه دختران بالای ۱۸ سال. زن در توسعه و سیاست، ۱۵(۴)، ۴۷۶-۴۴۷.
- Adler, A. (1928). Characteristics of the first, second, and third child. *Children*, 3(5), 14-52.
- Brown, J. M., & Grable, J. E. (2015). Sibling position and risk attitudes: Is being an only child associated with a person's risk tolerance?. *Journal of Financial Therapy*, 5(2), 19-34.
- Chao, J., Cumming, D., & Wang, X. (2015). One-child policy and family firms in China. *Journal of Corporate Finance*, 33(3), 317-329.
- Cameron, L., Erkal, N., Gangadharan, L., & Meng, X. (2013). Little emperors: behavioral impacts of China's One-Child Policy. *Science*, 339(6122), 953-957.
- Carfora, R. E. (2009). *Codependency among only children as predicted by parenting styles practiced in family-of-origin*. Master Theses, Social work Department, Smith College School of Social Work.
- Duetsch, F. (2006). Filial piety, patrilineality, and China's one child policy. *Journal of Family Issues*, 27(1), 366-389.
- Falbo, T., & Poston D. L. (1993). The academic, personality, and physical outcomes of only children in China. *Child Development*, 64(1), pp. 18-35.
- Falbo, T., & Polit, D. F. (1986). Quantitative review of the only child literature: Research evidence and theory development. *Psychological Bulletin*, 100(2), 176-189.
- Falbo, T. (2012). Only children: An updated review. *Journal of Individual Psychology*, 68(1), 38- 49.

- Falbo, T., & Hooper, S.Y. (2015). China's Only Children and Psychopathology: A Quantitative Synthesis. *Am J Orthopsychiatry*, 85(3), 259-274.
- Fang-Zhou, W. U., Xiao-Qin, L. I. (2016). A literature review on the studies of the loss of only child family in our country. *International Conference on Modern Education and Social Science*. 1155-1160.
- Flick, U. (2006). *An Introduction to Qualitative Research*. (H. Jalili, Trans.). Tehran: ney.
- Floyd, K. & Morman, M. (2006). *Widening the Family Circle: New Research on Family Communication*. Thousand Oaks, CA: Sage Publication.
- Fong, V. L. (2004). *Only hope: Coming of age under China's one-child policy*. Stanford: Stanford University Press.
- Hariri, N. (2017). *Principles and Methods of Qualitative Research*. Tehran: Islamic Azad University, Science and Research Branch [in Persian].
- He, T. (2013). *American family entertainment and the only child generation in contemporary urban china*. Master thesis, Philosophy Department ,University of East Anglia.
- Hosseini,H., Askari Nodoushan, A., & Moradi, N. (2016). A comparative study of childbearing desires of Shia and Sunni Kurdish women in rural areas of Kamyaran. *Journal of Woman and Family Studies*. 4(1), 63-84.
- Jiao, S., Ji, G., & Jing, Q. (1986). Comparative study of behavioral qualities of only children and sibling children. *Child Development*, 57(2), 357-361.
- Kertzer, D. I., White, M. J., Bernardi, L., & Gabrielli, G. (2009). Italy's path to very low fertility: The adequacy of economic and second demographic transition theories. *European Journal of Population*, 25(1), 89-115.
- Kozlowski, J. F. (2012). Adult Implications of Being an Only Child. *General Psychology*, 117(3), 1-25.
- Krynen,. CH. (2011). The Rise of Single-Child Families: Psychologically Harming the Child?. *Intuition*, 7(1), 10-14.
- Lavin, M. (2001). The golden child phenomenon. *Dissertation Abstracts International*, 62 (1), 61-77.
- Mastari Farahani, S., & Asgharnejad Farid, A. A. (2018). Personality traits in Iranian single-parent and single- child adolescents: A comparative study. *Austin Journal Psychiatry Behavioral Science*, 5(1), 1- 4.
- McMenamin, K. (2013). *Family Communication and Memorable Messages about Roles in Only-Child Families*, Master Thesis, University of Colorado Boulder.
- Mansour, F. (2018). Economic insecurity and fertility: Does income volatility impact the decision to remain a one-child family? *Journal of Family and Economic Issues*, 36(2), 243-257.
- Mancillas, A. (2006). Challenging the stereotypes about only children: A review of the literature and implications for practice. *Journal of Counseling and Development*, 84(3), 268-275.
- Mellor, S. (1990). How do only children differ from other children? *Journal of Genetic Psychology*, 151(2), 221-230.
- Minuchin, S. (1974). *Families and Family Therapy*. Cambridge: Harvard University Press.
- Okrodu, G. (2010). Influence of parenting styles on adolescent delinquency in Delta Central Senatorial District. *EDO Journal of Counselling*, 33(3), 58-86.

- Polit, D., & Falbo, T. (1987). Only children and personality development: A qualitative review. *Journal of Marriages and the Family*, 49(1), 309-325.
- Polit, D. F., & Falbo, T. (1988). The intellectual achievement of only children. *Journal of Biosocial Science*, 20(3), 275-286.
- Renk, K., Liljequist, L., Simpson, J. E., & Phares, V. (2005). Gender and age differences in the topics of parent adolescent conflict. *The Family Journal*, 13(2), 139-149.
- Richardson, A. (2006). Only child-A unique inheritance. *Therapy Today*, 17(1), 36-39.
- Rolan, E., Schmitt, S., Purpura, D., Nichols, D. (2018). Sibling presence, executive function, and the role of parenting. *Article in Infant and Child Development*, 27(4), 3-7.
- Roberts, L. C., & Blanton, P. (2001). 'I always knew mom and dad loved me best': Experiences of only children. *Journal of Individual Psychology*, 57(2), 125-140.
- Ryan, C. A. (1997). Counseling Strategies for the Single-Child Family: A Structural Family Therapy Model. *The Family Journal: counseling and therapy fpr couples and families*, 5(2), 132-136.
- Settles, B. H., Sheng, X., Zang, Y., & Zhao, J. (2008). The one child policy and its impact on Chinese families. *XV World Congress of Sociology, Brisbane, Australia*.
- Shojaei, J., & Yazdkhasti, B. (2018). One-child living experience: A study of girls over 18 years. *Women in Development and Politics*, 15(4), 447-476.
- Tao, G., Qiu, J., Li, B., & Tseng, W. (1996). Comparison of behavior development between only children and children with siblings: A 6-yr follow-up study. *Chinese Mental Health Journal*, 10(1), 1-5.
- Tavaresa, M. B., Costa Fuchsa, F., Diligentia, F., de Abreub, J., Rohdeb, L.A., Costa Fuchsc, S. (2004). Behavioral characteristics of the only child vs first born and children with siblings. *Rev Bras psiquiatr*, 26(1), 17-23.
- Thompson, V. D. (1974). Family size: implicit policies and assumed psychological outcomes. *Journal of Social Issues*, 30(4), 93-124.
- Trent, K., & Spitze, G. (2011). Growing up without siblings and adult sociability behaviors. *Journal of Family Issues*, 32(9), 1178-1204.
- Veenhoven, R., & Verkuyten, M. (1989). The Well-Being Of Only Children. *Adolescence*, 24(93), 155-166.
- Yixin, C. (2007). Parent-child relationship in single-child families in China. *Official Journal Of World Association Of Cultural Psychiatry*, 2(4), 123-127.